

نقد ترجمه

(قابلیت‌ها و محدودیت‌ها)

نویسنده:

کاتارینا رایس

مترجم:

عبدالرضا باقرزاده نیم‌چاهی

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکا)

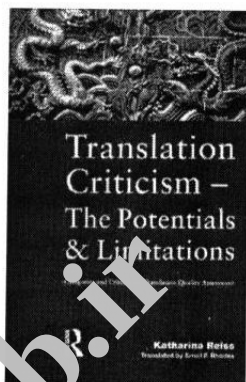


سرشناسه	:	رایس، کاتارینا، ۱۳۳-م. Riess, Katharina
عنوان و نام پدیدآور	:	نقد ترجمه / نویسنده کاتارینا رایس؛ مترجم عبدالرضا باقرزاده نیم‌جاهی؛ ویراستار اردوان تقوا.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات برگ و باد، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	:	۱۴۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۴۶۰۵۰۴-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	عنوان اصلی: Translation criticism, the potentials and limitations: categories and criteria for translation quality assessment.
یادداشت	:	کتابنامه: ص ۱۳۱-۱۳۸.
موضوع	:	ترجمه Translating and interpreting نقد Criticism
شناسه افزوده	:	پژوهش‌های ترجمه، عبدالرضا، ۱۳۵۰- مترجم
رده‌بندی کنگره	:	PNZ41
رده‌بندی دیویی	:	۴۱۸/۰۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۸۹۲۷۹۱
وضعیت رکورد	:	فیبا

نقد ترجمه

عبدالرضا باقرزاده نیم‌چاهی	که مترجم
دکتر اردوان تقوا	که ویراستار
برگ و باد	که ناشر
۱۰۰ نسخه	که شمارگان
اول ۱۴۰۳	که نوبت چاپ
۲۰۰۰۰ تومان	که قیمت

ISBN: 978-622-4605-04-7



انتشارات برگ و باد:

۰۹۱۹۶۰۱۱۵۴۲ - ۰۲۱۷۷۰۷۳۴۷۶

@nashr.bargobad

M ardavantaghva@gmail.com

«حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر برگ و باد است.»

حق انتشار نسخه الکترونیکی اثر با ناشر است.

هر گونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی از

ناشر است.»

درباره‌ی نویسنده

کاتارینا رایس ۱۷ آوریل سال ۱۹۲۳ در رینهاسن، آلمان به دنیا آمد. در سال ۱۹۴۰ دیپلم خود را در زادگاه خود گرفت. از ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴ در موسسه‌ی ترجمه در دانشگاه هیدلبرگ کسب دانش کرد و در آنجا اولین مدرک خود به عنوان مترجم حرفه‌ای را دریافت کرد. وی از ۱۹۴۴ تا ۱۹۷۰ در موسسه‌ی هیدلبرگ، دپارتمان زبان مشغول تدریس بود. کاتارینا رایس از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۴ در رشته‌ی فلسفه تحصیل کرد و سال ۱۹۵۴ مدرک دکتری در این حوزه دریافت کرد. طی سال‌های بعد (۱۹۷۰-۱۹۶۵) در دپارتمان اسپانیایی موسسه فعالیت می‌کرد. سال ۱۹۷۱ دعوتنامه‌ی دانشگاه ورزبرگ^۱ پذیرفت، که در آنجا استاد راهنمای مطالعات آکادمیک در سمینار زبان‌های لاتین بود. سال ۱۹۷۴ به کسب مدارج و مهارت در حوزه‌ی زبانشناسی در دانشگاه مانیز ادامه داد.

کاتارینا رایس از ۱۹۷۴ به بعد مورد مطالعات ترجمه در کالج گرمرشیم دانشگاه ما نیز سخنرانی کرد. اما وی از سال ۱۹۶۱ در کنفرانس‌ها و دانشگاه‌های مختلف آلمان شروع به سخنرانی کرده بود. او طی دوره‌ی زمانی ۱۹۸۷-۱۹۸۰ به عنوان مشاور ترجمه در انجمن یونایتد بایبل فدریشن^۲ و به سخنرانی در مانیز ادامه داد. منابع منتشر شده از وی شامل بیش از ۹۰ مقاله، بیش هشتاد که بسیاری از آنها به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، پرتغالی، روسی، فنلاندی، ترکی و چینی ترجمه شده است. و چند کتاب به رشته‌ی تحریر درآورده است.^۱

^۱ Möglichkeiten und Grenzen der Übersetzungskritik (1971, 1984), Texttyp und Übersetzungsmethode (1976, 1993), Grundlegung einer allgemeinen Übersetzungstheorie (with Hans Vermeer, 1984, 1991) and Grundfragen der Übersetzungswissenschaft (edited by M. Snell-Hornby and M. Kadric, 1995).

رایس همچنین کتاب‌ها و مقالات بسیاری از اسپانیایی ترجمه کرده است، از جمله آثار لئوپولدو آلاس (کلارین)، وینسنت بلانکو ایباریز، پیو باروجا، جیم فرارو آلپارته، گوستاو بیهو و خوزه اورتگای گاست^۱.

www.ketab.ir

^۱ Leopoldo Alas (Clarín), Vicente Blanco-Ibariez, Pío Baroja, Jaime Ferrero Alemparte, Gustavo Beyhau t and José Ortega y Gasset's classic "Miseria y Esplendor de la traducción".

فهرست

پیشگفتار مترجم	۱
مقدمه	۳
پیشگفتار نویسنده	۵
معرفی	۷
قابلیت‌های نقد ترجمه	۱۷
۱. نقد و متن زبان مقصد	۱۸
۲. نقد و متن زبان مبدا	۲۵
۳. عناصر زبانشناختی	۶۱
۴. سایر عناصر تعیین‌کننده‌ی زبانی	۷۹
محدودیت‌های نقد ترجمه	۱۰۱
۵. حدود عینی و ذهنی نقد ترجمه	۱۰۲
۶. کارکرد ویژه ترجمه	۱۰۶
۷. گروه‌های خوانندگان خاص	۱۱۶
۸. حدود ذهنی نقد ترجمه	۱۲۱
نتیجه‌گیری	۱۲۹
منابع	۱۳۱

پیشگفتار مترجم

تقریباً ۳۰ سال از زمانی که کاتارینا رایس دوازدهمین کتاب مجموعه متون دانشگاهی را توسط مکس هوبر رد ۴ منتشر کرده است می‌گذرد، کتابی کوچک با عنوان «Möglichkeiten und Grenzen der Übersetzungskritik» که اصول ارزشیابی کیفیت ترجمه را مطرح کرده است. این صرح پیشگام او در مورد به چالش کشیدن احتمالات و محدودیت‌های نقد ترجمه زمانی آمد که دانشجویان دانشگاهی و حرفه‌ای تازه در حال آگاه شدن از اهمیت حیاتی تسهیم اطلاعات و تاسر مرزهای فرهنگی جهان بودند که مدام در حال کوچکتر شدن است. این اثر اثبات کرد بسیار اصولی و اساسی است و امروزه اثری کلاسیک باقی مانده است که هنوز برای هر افرادی که در تولید و ارزشیابی ترجمه نقش دارند در دسترس است.

اگرچه این کتاب در اصل برای طیف گسترده‌ی محققان و متخصصان ترجمه نوشته شد اما ما اعتقاد داریم می‌تواند به طور خاص برای بخش خاصی از این مخاطبان مهم باشد. مثلاً مترجمان کتاب مقدس و مشاوران ترجمه‌ی کتاب مقدس. به این دلیل که مترجمان کتاب مقدس - که در رویکردهای هنجاری این حوزه استعداد دارند - ممکن است بتوانند از بینش‌ها و رویکردهایی که مشخصه‌ی مطالعات

ترجمه‌ی مدرن است و بر رویکردهای توصیفی نظریه و تمرین ترجمه تأکید دارند، بهره ببرند.

طی سه دهه‌ای که کاتارینا رایس نوشته‌هایش را به رشته‌ی تالیف درآورده است، اصطلاحات مطالعات ترجمه در بسیاری از جوانب تحول یافته است. برای مثال، واژه‌ی «معادل» و «وفاداری» امروز با معانی و اعتبار متفاوتی مرتبط است. در ترجمه‌ی کتاب رایس، سعی کرده‌ایم به نثر او وفادار باشیم و همزمان از اصطلاحاتی استفاده کنیم که خواننده‌ی همان امروز به طور کلی درک کنند و ارج نهند.

در راستای آماده‌سازی متن حاضر برای خوانندگان انگلیسی‌جوانب بخصوص فرمت آن کمی اصلاح شده است. برای مثال، تعداد پانویس‌ها تا حدود یک پنجم کاهش یافته است تا ارجاعات مفصل به مطالب موقت و خارج از رده حذف شوند. افزون بر این، ذکر منابع از پانویس‌ها به ضمیمه‌های مبتنی بر تاریخ نویسنده در موارد بعدی مطابق با کاربرد پژوهشگری اسیر منتقا شده است.

در نهایت، مفتخریم از نشر هوپر ورد و گ و نویسنده قدردانی کنیم که از سر مهر اجازه دادند این کتاب را ترجمه و منتشر کنیم. همچنین از مری اسنل هورنبی به خاطر بازخوانی ترجمه و ارائه‌ی پیشنهادات ارزشمند کمال تشکر را داریم. و از کارکنان مرکز پژوهش کتاب مقدس و رسانه مخصوصاً لیز ال یانگ، جی اسکات دیلی، دبورا جی آتکینسون و اسکات اس الیوت به خاطر تلاش بی‌وقفه در دسته‌بندی منابع کتاب‌شناسی و آماده کردن کتاب تشکر می‌کنیم. امید است خوانندگان این کتاب آن را به اندازه‌ی مترجم مفید و الهام‌بخش بیابند.

ارول اف رودز

نیویورک عید سنت جروم

مقدمه

حدود سی سال قبل، وقتی ریاستار ادبی در انتشارات مکس هوبر در مونیخ بودم، دست‌نوشته‌ای در مورد مرزهای جدید و هیجان‌انگیز به دستم رسید: نقد ترجمه، استفاده از معیارهای عینی و به شایسته قابل تصدیق - در مقابل شیوه‌های معمول روز که صرفاً عملی و مبتنی بر تلاش فردی بود. نویسنده کاتارینا رایس مدتی استاد ترجمه در موسسه ترجمه و ترجمه شفاهی دانشگاه هایدلبرگ بوده است و بدیهی است توانسته از سال‌ها تفکر و تجربه در کتاب خود بهره گیرد. این دست‌نوشته همه‌ی ما را تحت تاثیر قرار داد زیرا نویدبخش مطالعات ترجمه بود («مطالعات ترجمه» آنطور که ما اکنون این رشته را می‌شناسیم، در آن وقت هنوز تبیین نشده بود) و در سال ۱۹۷۱ در مجموعه‌ای ۱۲ جلدی به چاپ رسید^۱.

اکنون در سال ۲۰۰۰ کتاب کاتارینا رایس هنوز فروش بالایی دارد و مدت‌ها است جایگاه کتابی پیشگام در رشته‌ی علمی مطالعات ترجمه در مناطق آلمانی زبان پیدا کرده است. رویکرد او حتماً در صدها تز و پایان‌نامه به عنوان مدل کلاسیک نقد

^۱ Hueber Hochschulreihe under the title Möglichkeiten und Grenzen der Übersetzungskritik. Kategorien und Kriterien für eine sachgerechte Beurteilung von Übersetzungen

ترجمه استفاده شده است و استدلال‌های او موجب داغ شدن بحث‌های مقالات در سال‌های ۱۹۹۰ شده است. رایس در این میان تفکراتش را بسط داد، نه تنها در رساله‌اش^۱ در سال ۱۹۷۶ بلکه در بسیاری از مقالات و سخنرانی‌ها و کتابی^۲ که به همراهی هانس جی ورمیر^۳ نوشت (انتشار یافته در ۱۹۸۴) که به طور گسترده به عنوان تحقیق پایه‌ای در مورد تئوری کاربردی ترجمه در آلمان شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد عصر حاضر برای نسخه‌ی انگلیسی کتاب پیشگام او بسیار مناسب است. ابتکار عمل‌های حاضر با استقبال روبه‌رو شده است. در حالی که مشاهدات بسیار باید در مورد پیش‌زمینه‌ی اواخر ۱۹۶۰ بررسی شود، مدل نقد ترجمه و افکاری که موجب پدیدار شدن آن شده است هنوز مطالعات الهام‌بخشی برای هر کسی است که به ترجمه علاقمند است. می‌توانیم امید داشته باشیم خوانندگان انگلیسی زبان کاتارینا رایس را به اندازه‌ی آلمان‌ها درک کنند و بشناسند.

ماری اسنل هورنبی

وینا فوریه ۲۰۰۰

^۱ und Übersetzungsmethode. Der operative

^۲ Grundlegung einer allgemeinen Translationstheorie

^۳ Hans J. Vermeer

پیشگفتار نویسنده

در عصری که دنیا همواره در حال کوچکتر شدن است، زمانی که ملل مختلف به طور روزافزون به یکدیگر نزدیکتر می‌شوند و لزوم تبادل اطلاعات و عقاید در سرتاسر مرزهای شفاهی و کتبی تبدیل به حقیقتی از زندگی شده است، ارتباطات بدون ترجمه اقناع ناشدنی شده است. به طور خاص در تلاش‌های علمی بین‌المللی برای تبادل نتایج تحقیقات با سرعت و دقت اهمیت پیدا کرده است، نه تنها به این دلیل که بینش‌های نو را بتوان به اشتراک گذاشت بلکه برای جلوگیری از تکرار غیرضروری پژوهش و تحقیق. مترجمان و مترجمان شفاهی مدت‌ها است در سیاست‌های بین‌المللی به کار گرفته شده‌اند و اکنون به طور فزاینده در کنفرانس‌های بین منطقه‌ای اقتصادی، صنعتی و علمی حضور دارند. در نهایت، ترجمه‌ی اثرات ادبی و نمایشنامه‌ها برای تفریح و سرگرمی، نقش مهمی در تبادل متقابل میان فرهنگ‌ها است.

اهمیت محض و غیرقابل انکار ترجمه در دنیای امروز مستلزم توجه خاص به کیفیت ترجمه‌ها است. اما این تنها انگیزه برای اهمیت دادن به اصول ارزشیابی ترجمه‌ها نیست. ترجمه‌های ضعیف بسیاری، انجام و منتشر شده است. علاقمندی به

ترجمه‌های بهتر را می‌توان با اصول معقول‌تر در مبحث نقد ترجمه در افراد برانگیخت. ترجمه از منظر آموزشی و نیز توسعه‌ی شیوه‌های عینی ارزشیابی، مزایایی خواهند داشت زیرا راهی عالی و حتی جذاب برای تکمیل آگاهی زبانی و بسط افق‌های زبانی و فرازبانی نقد خواهد بود. و در نهایت، پژوهش دقیق در مورد تمام قابلیت‌ها و محدودیت‌های نقد ترجمه ضروری است زیرا وضعیت کنونی این هنر در هاله‌ای از ابهام است. استانداردهایی که نقدها اغلب ارائه می‌دهند به طور کلی قراردادی است به طوری که اعدا، آن‌ها درک درستی از فرایند ترجمه به دست نمی‌دهد.

هدف نتایج حاضر، تنظیم رده‌بندی و معیارهای عینی برای ارزشیابی تمام انواع ترجمه است. مهم‌ترین چارچوب کلی ایجاد شود که طیف کامل استانداردهای مرتبط با ترجمه‌های فردی خاص را در خود جای دهد. این امر به شناختی منتهی می‌شود که انواع مختلف متن انواع مختلف استانداردها را ایجاب می‌کند. سنخ‌شناسی متن مورد ترجمه، اولین گام برای تعیین طبقه‌بندی‌های ادبی، زبانشناسی و کارکردشناختی است که نقاط ارجاع را فراهم می‌آورد و به وسیله‌ی آن یک ترجمه‌ی معین ارزشیابی می‌شود.

وقتی این پرسش‌های اولیه روشن شد، محدودیت‌های نقد ترجمه باید مشخص و دسته‌بندی‌ها انجام شود تا بدون تناقض از عینیت قضاوت‌ها اطمینان حاصل شود یا ذهنیت نمود یابد.

در صفحات بعد چارچوبی عملی و منعطف ارائه می‌شود که به قدر کافی گسترده است تا تمام طیف موضوعات متون ترجمه را دربرگیرد و در عین حال در حد لزوم اختصاصی یا مفصل است که بتوان به عنوان الگو از آن استفاده کرد.

معرفی

اکنون که مطلب ترجمه و تمام شده است، همه می‌توانند آن را بخوانند و نقد کنند. فرد سه یا چهار صفحه از کتاب را به راحتی و بدون ایراد مطالعه می‌کند- بدون اینکه تشخیص دهد پیش از اینکه او بتواند آن را با راحتی و روانی مطلب را بخواند چه مشکلات و رنج‌هایی کشیده شده است تا به مطالب روان و سهل شود. باید رنج کشید و عرق ریخت تا ناهمی‌ها و بدفهمی‌ها هموار شوند تا افراد بتوانند به راحتی مطلب را درک کنند. وقتی سنگ‌های بزرگ از زمین سفت برداشته شود شخم زدن آسان خواهد بود. (مارتین لوتر، ۱۹۶۳)

«شخم زدن آسان خواهد بود، وقتی زمین از سنگ و کلوخ‌های بزرگ پاک شود» لوتر این گفته را در مورد نقدهای ترجمه‌ی خودش در ۱۵۳۰ گفته است، وقتی منتقدان کاملاً آماده‌ی نقد آنها بودند. البته او همیشه از اینکه ترجمه‌هایش مورد نقد واقع شوند رضایت داشت.

چگونه شرایط امروز در رابطه با نقد ترجمه تغییر کرد؟ مطرح کردن این سوال به این شکل بیانگر آن است که موضوعی با عنوان نقد ترجمه وجود دارد. اما آیا به واقع وجود دارد؟ البته، ترجمه‌ها همیشه در اینجا و آنجا مورد نقد و بررسی، ارزشیابی

و بحث بوده‌اند. دوره‌های روزانه یا هفتگی و همچنین نقد ماهانه و سالانه برای بررسی و بحث ترجمه‌ها همیشه برقرار بوده است. اما آیا اینها بیانگر نقد ترجمه به معنای جدی هستند؟

اغلب عنوان می‌شود که با ظهور تجارت‌گرایی در دنیای ادبیات، سطح نقد ادبیات (سواى از برخی استثناهای برجسته) به طور کلی در حد هشدار پایین آمده است. نقد ترجمه‌های ادبی به هیچ وجه شامل استثنا نیست^۱. و کماکان این واقعیت ساده که هر ساله بیش از ده هزار کتاب به آلمانی ترجمه می‌شوند- سواى از ترجمه‌های فنی، مقالات، سخنرانی‌ها و گزارشاتی که توسط خیل عظیم مترجمان روزانه انجام می‌شود - باعث می‌شود انسان به این فکر بیفتد که می‌بایست توجه بیشتری از سوی منتقدان ادبی به نقد ترجمه مبذول داشته شود. اما چنین رویکردی مشاهده نشده است. جدای از چند استثنای محدود (اشادری، ۱۹۵۶) - که به اندازه‌ی محدودیت دانش آنها از زبان‌های اصلی محدود است- بررسی‌ها، ترجمه معمولاً آنها را اصلاً به عنوان ترجمه قلمداد نمی‌کند. و هنگامی هم که ترجمه در نظر گرفته شوند، معمولاً صرفاً در حد گذرا و با توجه به مشخصاتی مانند «روانی ترجمه»، «شبیه به متن اصلی بودن»، «ترجمه‌ی عالی» یا «ترجمه‌ی منطقی» انجام می‌شود. تضادهایی که تقریباً همیشه مبهم و بدون شواهد هستند. منتقدان ادبی به ندرت وقت می‌گذارند و کوشش می‌کنند ترجمه را با نسخه‌ی زبان اصلی مقایسه کنند، حتی بر با زبان مبدا آشنایی داشته باشند. اگر زبان مبدا انگلیسی یا فرانسوی باشد این اتفاق بیشتر می‌افتد و اگر سایر زبان‌های اروپایی باشد کمتر و اگر هر زبان دیگری باشد به ندرت صورت می‌پذیرد. نتیجه وحشتناک است: یک اثر به خاطر محتوا، سبک و گاهی همچنین برای ویژگی زیبایی‌شناختی آن بررسی می‌شود و هم مولف و هم اثر وی فقط بر

^۱ بحث‌های پرشور در مورد ترجمه‌های ادبیات کلاسیک دنیا در دوره‌ی رمانتیک به ذهن می‌رسد که تلاش داشتند تحلیلی نظری از مشکل ترجمه شکل بدهند.

مبنای ترجمه و بدون مشورت با اثر اصلی قضاوت می‌شوند. این واقعیت به خودی خود معمولاً ضمنی فرض می‌شود، بدون تذکر مثبت یا منفی. نویسنده صرفاً از طریق نماینده یعنی مترجم قضاوت می‌شود، در غیاب متن اصلی و بدون اینکه حتی اشاره‌ای به آن شود.^۱

البته این پرسش مطرح است که آیا قضاوت ترجمه در چارچوب صلاحیت نقد ادبی می‌گنجد یا خیر. آیا دانش نقد ادبیات یا میزان تخصص در حوزه‌ی موردنظر صلاحیت کافی برای این وظیفه را دارد؟ آیا فرد درک منطقی از سنگ و کلوخ‌هایی (با اشاره به بیان لوتر) به مترجم می‌بایست ابتدا از سر راه برداشته باشد، دارد؟ آیا می‌تواند غیر از محصول نهایی ترابند ترجمه که بعد متن اصلی قلمداد می‌شود چیز دیگری را شناسایی کند؟

در پرتو این ملاحظات می‌توانیم نتیجه بگیریم صرفاً کسی که با هر دو زبان مبدا و مقصد آشنایی دارد می‌تواند ترجمه را نقد کند^۲ و از این رو، در مقام مقایسه‌ی مستقیم ترجمه با اصل آن قرار دارد. به طور خلاصه، نقد ترجمه مستلزم مقایسه‌ی متن مبدا و مقصد است.

نقد ترجمه (اگرچه تحت عناوین مختلف) در موسسات آموزش ترجمه بیشتر و منظم‌تر از نشرهای مختلف صورت می‌گیرد. تمرینات ترجمه و آزمون‌های دانشجویان خواه در سطح مبتدی یا سطوح پیشرفته - تصحیح و امتیازبندی می‌شود، یعنی نقد و ارزشیابی می‌شود. باز هم سوال این است آیا اصلاح‌کننده، توجه لازم به طیف

^۱ در موارد نادر منتقد ادبی نشان می‌دهد از این واقعیت آگاهی دارد. بنابراین ام ریچ رانیکی (۱۹۶۵، ص. ۷۲) می‌نویسد: «سبک همینگوی بر یک نسل کامل از نویسندگان آلمانی تاثیرگذار بوده است. اما واقعاً سبک چه کسی این تاثیر را گذاشته است؟ همینگوی یا سبک آن ماری هورشیتز هورس، مترجم او؟»

اصطلاح زبان مبدا و مقصد برای زبان اصلی و زبان ترجمه، اکنون در سرتاسر دنیا در ادبیات ترجمه پذیرفته شده است و در اینجا به عنوان اصطلاحات استاندارد به کار گرفته شده‌اند. فقط به دلایل سبکی از جایگزین‌هایی مانند زبان اصلی (یا زبان نویسنده) برای زبان مبدا یا زبان ترجمه برای زبان مقصد استفاده می‌شود.

احتمالات موجود، مورد انتظار یا حتی دلخواه دارد یا خیر. چه معیارهایی در پس معیارهای آشکار اشتباهات واژگانی و بدفهمی ساختار دستوری به کار گرفته می‌شود؟ اصلاح‌کننده تا چه میزان صرفاً بر احساسات خودش تکیه می‌کند؟ همین پرسش در مورد ویراستار و ارزیاب نیز مطرح است. همه‌ی آنها باید ترجمه را در کنار متن اصلی قرار دهند و این دو را با هم مقایسه کنند. اما آیا سطحی عینی از منبع یا اصول راهنما برای ارزشیابی یک اثر ترجمه‌ای وجود دارد؟

هر ترجمه‌ای، یک فرایند تعادل است که با ساختن متن مقصد و حفظ متن مبدا به دست می‌آید. مترجم در حالی که تلاش می‌کند نزدیکترین معادل در زبان مقصد را بیابد، باید همیشه و به طور مداوم به متن مبدا نظر داشته باشد تا مناسب بودن معادل‌ها را بتواند تایید کند (کید، ۱۹۶۴، ص. ۱۳۷).^۱

هر ترجمه‌ی خاص، نتایج این فرایند، باید با معیارهای مرتبط و عینی ارزشیابی شود. فقط در این صورت تمرین خودانگیز نقد ترجمه امکان‌پذیر است تا معیارهای یک نقد ترجمه‌ی عینی را برآورده سازد.

منظور از نقد ترجمه‌ی عینی چیست؟ در متن حاضر، عینیت به معنای قابل تایید بودن در مقابل قراردادی و ناکافی است. این بدان معنا است که هر نقد ترجمه، خواه مثبت یا منفی، باید به روشنی تبیین و با چند مثال تایید شود. نقد باید همیشه برای سایر گزینه‌های ذهنی فضا داشته باشد. در یک نقد مناسب، منتقد باید بکوشد معین کند چه چیزی مترجم را به اشتباه انداخته است. از سوی دیگر، این فرایند

^۱ در علم ترجمه اصطلاح «معادل» یک اصل و مفهوم اساسی است. معادل، مفهومی میان تمامیت متن اصلی و نسخه‌ی آن در زبان مقصد و در میان عوامل مختلف در متن و ترجمه‌ی آن را به دست می‌دهد. منظور از معادل صرفاً مشابهت و یا تولید مجدد واحد زبان مبدا نیست. بلکه معادل، همانطور که ریشه‌شناسی آن نشان می‌دهد، «ارزش برابر» است یعنی مطابقت با اصطلاحات زبان مقصد ممکن است به صورت بهینه معادل در نظر گرفته شود. اگر بیانگر زبان‌شناسی و بافتار موقعیتی، کاربرد و سطح سبک و مقصود نویسنده در زبان مقصد باشد که اعتبار اصطلاحات در زبان مبدا را منتقل می‌کند. به مبحث قابلیت و معادل‌های بهینه در بخش بعد نگاه کنید.

فرصتی برای بررسی پیش‌زمینه‌ی متن، قرار دادن آن در بافتاری گسترده‌تر و تعیین دلایل احتمالی اشتباه فراهم می‌آورد؛ خواه اینها بی‌دقتی یا اشتباه تایپی در زبان مبدا یا مقصد، بی‌تجربگی در کاربرد اصطلاحات یا واژگان تخصصی حوزه‌ای خاص، منطق ناکافی در رابطه با سبک زبان مقصد، آشنایی ناکافی با رسانه (رادیو، تلویزیون، تئاتر) و غیر باشد که بر شدت قضاوت نادرست در فهم کلی متن تاثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، گاهی آشکار کردن یک بینش که در قضاوت منفی اولیه نادیده گرفته شده بود می‌تواند برای منتقد سودمند باشد. در هر رویدادی، خواننده‌ی نقد فرصت مدنظر قرار دادن دو قضاوت مختلف و سنجیدن دوباره‌ی احتمال و اعتبار نسبی آنها را دارد.

اما سپس چالش نظری در نقد منفی با پیشنهاد بهبود نیز مطرح می‌شود. طبق نظر لسینگ^۱: «لازم نیست اصلاح‌کننده توانایی بهبود چیزی که نقد می‌کند را داشته باشد» اما او همچنین می‌گوید: «هر مدعی فاعل تشخیص اشتباه نیست بلکه منتقد باید بتواند بگوید زیرا...» و البته اگر این «زیرا» دلالت بر سنجیده باشد، به طور طبیعی باعث می‌شود منتقد پا را فراتر نهد و عواملی که به بایست مدیریت می‌شد تا منجر به اشتباه نشود را مطرح و ارائه می‌دهد» (لسینگ ان دی. ۱۹۸۰، ص. ۶۸). و ای دابلو وون شگل^۲ (۱۹۶۳، ص. ۹۹) که خودش مترجمی باتجربه و مریض است، در این باره نظر می‌دهد: «به نظر من درخواستی بسیار منطقی این است که وقتی منتقد می‌نقد می‌شود، همیشه باید راه‌حل و راه چاره نیز ارائه شود.» به منظور جلوگیری از هرگونه ظن به کنایه در بیان، این اصل باید همیشه مدنظر قرار داده شود.

اگر عینیت قرار است با معیارهای مرتبط تطبیق داده شود و در دسته‌بندی نقد ترجمه قرار گیرد، باید مراقب بود به درستی تشخیص داده شود که متن مورد ارزیابی، ترجمه است و در همین قالب مورد بحث قرار می‌گیرد. در نتیجه، موضوعاتی مانند

¹ Lessing

² A. W. von Schlegel

کیفیت ادبیات نویسنده، تخیل، عمق اندیشه، دقت علمی و غیره کمتر از تبیین عینی (یعنی قابل تایید بودن) اینکه آیا و تا چه حد متن زبان مقصد بیانگر محتوای متن در زبان مبدا است، مدنظر می‌باشد.

در اینجا دوباره در رابطه با نقد ترجمه‌ی سازنده، چالش ارائه‌ی پیشنهاد متقابل برای راه‌حل‌های رد شده مطرح است. یک مقایسه با متن اصلی به خواننده‌ی نقد فرصت انتخاب میان معادل‌های مختلف را می‌دهد. والتر ویدمر^۱ (۱۹۵۹، ص. ۸۲) یک مثال آموزنده از این مورد ارائه می‌دهد. ویدمر از یک مترجم به خاطر ترجمه‌ی نادرست اصطلاح فرانسوی^۲ ایراد می‌گیرد، او این اصطلاح فلوربر در مورد مثال «واژگان مبهم برای افکار مهم» یادآوری می‌کند و از بررسی ترجمه‌های آلمانی مختلف و در دسترس به این نتیجه می‌رسد که «مترجم (به طرز قابل توجه) درکی خیلی کمتر از فلوربر از آن داشته است». اما در این موضوع مترجم دقیقاً درست و مناسب عمل کرده است. این وظیفه‌ی مترجم نیست که اشتباه نویسنده را جبران کند و حرکت یا حرکتی اختراع کند که با متن متضمن آن است، یعنی همانطور که ویدمر منتقد پیشنهاد می‌کند به جای اصطلاح فرانسوی مذکور این عبارت را بگذاریم که از نظر او «ترجمه‌ی بهتری» است: «پی در پی شانه بالا می‌انداخت و سرش را تکان می‌داد.» خواننده‌ی نقد با این استدلال متقاعد نخواهد شد و طرفدار مترجم بدنام شده خواهد بود. سوای از این حقیقت که پیشنهاد ریمز اعتراضات دیگری مطرح می‌کند (ممکن است بیانگر این باشد که فرد تیک عصبی دارد)، با عدم توضیح روشن در مورد حرکات بدن در متن اصلی مطابقت ندارد، که معلوم نیست عمدی بوده است یا خیر.

^۱ Walter Widmer

^۲ "une abondance de gestes."

از آنجا که بحث ما در مورد متون است، باید درنگی داشته باشیم تا به اختصار ارتباط این مفهوم اولیه با ترجمه را توضیح دهیم. از زمان شلایرماخر^۱ (۱۹۶۳، ص. ۶۲) ایجاد تمایز میان «ترجمه‌ی شفاهی» (متون غیر تالیفی)^۲ و ترجمه (متون تالیفی) در میان استادان زبانشناسی مورد توجه بوده است (فردریش، ۱۹۶۸، ص. ۵؛ کلوفر، ۱۹۶۷، ص. ۱۰، شیدوال، ۱۹۶۳، ص. ۲۵۲). اتفاقاً هانس جواچی ام استوریگ^۳ (۱۹۶۳، ص. ۱۵) اصطلاحی رسمی به این تمایز در مقدمه‌ی گلچین ادبی خود داده است: «فرایند شفاهی ترجمه از فرایند نوشتاری آن متمایز است: عمل مترجم شفاهی گذر، پایدار است (مگر اینکه یادداشت شود یا روی نوار ضبط شود)، در صورتی که کار مترجم بابت و ماندگار است. «هنگامی که از نقد ترجمه در صفحات بعدی سخن می‌گوییم، منظور ما معنای گسترده که شامل تمام انتقالات از یک زبان به زبان دیگر است نیست بلکه معنای متداول ترجمه‌ی نوشتاری متون ثابت نوشتاری است» (از یک زبان طبیعی به دیگری، (دراوای، ۱۹۶۰، ص. ۱۳).

آنتونی جی اوتنگر^۴ (۱۹۶۳، ص. ۴۴۹) در کتاب خود بیان می‌کند: «هر قدر ترجمه دشوار باشد، قضاوت آن دشوارتر است. هر کس اثر خودش کار می‌کند، بی‌شک معیارهای عینی برای ارزیابی نسبی ترجمه وجود دارد اما اینها هنوز به درستی شناسایی نشده‌اند یا به طور نظام‌مند تبیین و توصیف نشده‌اند. معیارهای عینی و ذهنی برای قضاوت ترجمه‌ها آنقدر قراردادی شده‌اند که تمایز میان نقد ادبی و نقد ترجمه به طور کامل از بین رفته است. بررسی‌هایی که علی‌الظاهر عینی هستند، بیانگر نقد ترجمه به شکل سخت‌گیرانه هستند که اغلب فاقد هرگونه نقطه ارجاع

¹ Schleiermacher

^۲ اصطلاح آلمانی "dolmetschen" برای ترجمه‌ی شفاهی غیرنوشتاری یا همزمان به کار می‌رود، در مقابل اصطلاح "übersetzen" که به ترجمه‌های نوشتاری که مورد بررسی یا بازبینی بعدی قرار می‌گیرد اشاره دارد.

³ Hans-Joachim Störig

⁴ Anthony G. Oettinger

مشخص، یکپارچگی پوشاننده یا دسته‌بندی مناسب است لذا نتیجه‌ی نهایی، برداشتی کاملاً سلیقه‌ای است.

یکی از دلایل نارسایی نقد ترجمه تا به امروز را شاید بتوان در تنوع وسیع نگرش‌ها یافت که ترجمه می‌تواند یا باید چه ماحصلی داشته باشد یا حتی این تردید که آیا ترجمه در واقع اصلاً امکان‌پذیر است یا خیر^۱. یک نظریه که بتوان برای تمام متون به کار برد هنوز مطرح نشده است. اما طی پانزده سال گذشته، تلاش‌های خوبی در این رابطه مشاهده شده است. مواردی که اینجا ذکر می‌کنیم سزاوار توجه خاص هستند: اوند کا (۱۹۶۴)، رودولف والتر جامپلت (۱۹۶۱)، یوجین ای نایدا (۱۹۶۴)، رالف کلوفر (۱۹۷۷) و جف راینر ووتونو (۱۹۶۹). اثر کاده صراحتاً در مورد متون کارکردشناختی است. د. الی که جامپلت اساساً به ترجمه‌ی متون علمی و تخصصی علاقمند است. نایدا با مشکلات ترجمه‌ی انجیل سروکار دارد. کلوفر منحصرأ بر متون «ادبی» متمرکز است که شامل شعر و ساختارهای بالقوه است و ووتونو روی مشکلات خاص در ترجمه‌ی ادبیات کلاسیک متمرکز است.

جدای از روش‌هایی که در آنها انواع و درجه‌های مطالعه‌ی شناسایی و تبیین می‌شوند، تحقیقاتی که در بالا ذکر شد نیز بیانگر خطر استقرار یافته‌هایشان است، یعنی نتایج آنها در تمام متون استفاده شود. در نگاه به گذشته، به نظر می‌رسد بهتر باشد از کل به جز برسیم، همانطور که مطالعات حاضر تلاش دارند این کار را انجام دهند. و کماکان حفظ توجه مستمر و متمرکز بر چرایی ترجمه کاملاً ضروری است زیرا همانطور که اشاره شد، درخواست برحق و درست که می‌تواند و باید در مورد یک

^۱ جی اوتگا گست (۱۹۳۷) را ببینید. اما در مقابل جی مونیا (۱۹۶۷، ص. ۱۱۱) را ببینید: «ترجمه نه به طور کامل و همیشه امکان‌پذیر است و نه کاملاً و همیشه غیرممکن» و ص. ۱۱۲ «اگر یک اصطلاح به واقع قابل ترجمه نیست، مترجم در قرن بیستم دست‌کم قادر است بفهمد و درک کند چرا این اصطلاح را نمی‌توان ترجمه کرد.» همچنین جی سی کتفورد (۱۹۶۵، ص. ۹۳) را ببینید: «متون و ابزارهای زبان مبدا بیش و کم قابل ترجمه هستند اما نه به طور کامل و یقین «قابل ترجمه» یا «غیرقابل ترجمه».

ترجمه صورت گیرد هنوز به طور موثر شکل نگرفته است و معیارها و دسته‌بندی‌ها برای ارزیابی نقادانه را بدون احساس نیاز نظام‌مند، پیش‌فرض‌ها و اهداف در هر فرایند ترجمه نمی‌توان فرمول‌بندی کرد.^۱

این مشاهدات برای فصل‌های بعدی دارای برنامه هستند. ملاحظات نظری ترجمه و نقد ترجمه با ارزیابی انتقادی متون موجود در مورد موضوع با استناد به شواهد بررسی خواهد شد. توضیحات نظری به طور کامل با مثال ترسیم خواهد شد.^۲ مثال‌های داده شده از آن من نیستند بلکه تا حد ممکن از متون اصلی و ترجمه‌های انتشار یافته گرفته شده‌اند. از آنجا که مثال‌ها خارج از متن و بافتار نشان داده شده است، هیچ ادعایی وجود ندارد که معادل‌های داده شده بهترین باشند؛ بدیهی است که در موقعیت‌های زبانی و شرایط متفاوت، سایر معادل‌ها نیز معتبر خواهد بود. هرگاه به طور خاص سودمند باشد یا وقتی به دلایل اساسی دخیل باشد، جنبه‌های بخصوص فرایندهای مورد استفاده در نقد ترجمه را مورد بررسی خواهد شد. به این ترتیب، هر خواننده‌ی علاقمند و مشتاق مطلبی مفید و آموزنده در این کتاب پیدا خواهد کرد.

^۱ آج فردریش را ببینید (۱۹۶۹، ص. ۷): «در مقابل سایر هنرهای زبانی، در هنر ترجمه و بررسی ترجمه‌ها ما نمی‌توانیم بدون استانداردهای ساختاری کاری انجام بدهیم و مخصوصاً استانداردهایی که از اواخر قرن هجدهم تا به حال در مورد بیانات مهم درباره‌ی ترجمه‌ها ارائه شده‌اند.»

^۲ مثال‌های تصویری در کتاب از زبان‌های اصلی اروپایی گرفته خواهد شد، انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی. مبحث مذکور فراتر از این هیچ ادعایی در سطح اعتبار جهانی ندارد. میزان توسعه‌ی این اصول در رابطه با زبان‌های غیر اروپایی کماکان پرسشی بدون پاسخ است. تلاش ما صرفاً برای بحث در مورد یکی از چند مدل روش‌شناختی احتمالی است.